



## با خیال راحت سفر کنید؛ حالا دیگر نه خیلی راحت

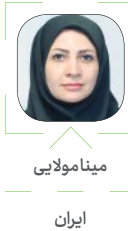
تعطیلات عید فطر تقریباً از همین امروز آغاز می‌شود و عده‌ای در سودای سفر و گروهی نگران از بالا رفتن تب کرونا با افزایش سفرها و تردهای شهری و بین شهری. در این میان وزارتخانه میراث فرهنگی ظاهراً سعی کرده میانه هر دو را بگیرد، یعنی از یک‌رو علی‌اصغر مونس‌ان، وزیر این وزارتخانه می‌گوید مردم می‌توانند با

موجب تجمع بیش از حد گردشگران و مسافران شود، همچنان ممنوع است و بهتر است از مراکز اقامتی رسمی دارای مجوز از این وزارتخانه استفاده شود. مونس‌ان می‌گوید که از وزارت کشور هم درخواست شده برای استفاده مردم از جاذبه‌های طبیعت‌گردی و مراکز تفریحی روباز همکاری کند. / جام جم دیلی



## در آستانه روز آزادسازی خرمشهر سری بزنید به موزه جنگ خرمشهر؛ ساختمانی که در روزهای اشغال، برج دیده‌بانی عراقی‌ها بود

# جنگ اینجا نفس می‌کشد



مینا مولایی  
ایران

آ آمده بودند که بمانند! همین بود که روی در و دیوار خرمشهر هرجا دست‌شان رسیده بود، نوشته بودند: «جننا لنیقی» یعنی آمده‌ایم که بمانیم! که شهر به شهر جلو بیاییم و برسیم به تهران! همین بود که دست انداخته بودند به خاک ما؛ به خرمشهر که آن موقع عروس شهرهای ایران بود از آبادی و رونق؛ خرمشهری که روزهای حضور نیروهای بعثی، خونین شهر بود و بعد از رفتن شان تلی از خاک؛ چشم تا چشم ویرانی! حالا حتی اگر ۳۸ سال هم از آزادسازی خرمشهر گذشته باشد، مردم این شهر هنوز زیر سایه جنگ نفس می‌کشند. انگار جنگ در خرمشهر زنده باشد ما اما این بار خرمشهر و روزهای مقاومتش را از یک زاویه دیگر می‌بینیم. خودمان را می‌رسانیم به بلوار مقاومت و بعد در حاشیه کارون در بلوار ساحلی این شهر، به موزه

جنگ خرمشهر می‌رسیم؛ بنایی پراز خاطره که حالا مدت‌هاست جنگ و یادگاریش را در دل خود جای داده؛ انگار جنگ آمده و خریده باشد زیر سقف این بنای قدیمی و خودش را بین اشیاء و وسایل موزه نشان بدهد؛ آن وقت در و دیوار موزه، از همان ابتدای ورود گواهی بدهند به استقامت و رشادت مردمی که شهرشان حدود ۱۹ ماه اشغال بود؛ ۱۹ ماه پایداری، ۱۹ ماه گلوله و تانک، ۱۹ ماه خون و شهادت. ما این موزه را به همراهی عباس حری می‌بینیم؛ یکی از راویان موزه که در خرمشهر به دنیا آمده و از روزهای ابتدایی جنگ و روزهای اشغال آن خاطره زیاد دارد؛ آنقدر که بگوید من و خیلی از هم‌نسلی‌هایم در جنگ بزرگ شدیم، که بگوید خانواده‌اش آخرین خانواده‌ای بودند در محله کوی طالقانی آن روزهای خرمشهر که بالاخره خانه را رها کردند، آن هم درست وقتی که عراقی‌ها رسیده بودند به دیوارهای پشتی خانه. حضوری که تا غروب چهارم آبان ۱۳۵۸ ادامه داشت؛ تا زمان اشغال خرمشهر.

## دیوارنوشته‌های جنگ

«جننا لنیقی»! عراقی‌ها آمده بودند که بمانند و این شعار را حتی روی دیوار موزه جنگ خرمشهر هم نوشته‌اند. جمله‌ای که حاشیه‌هایش پر است از اسامی نیروهای عراقی، این که از کجا اعزام شده‌اند و اهل کدام شهرند. آن وقت رد یک نوشته به سلیمانیه می‌رسد و رد یکی دیگر به قلوجه!

نوشته‌هایی به زبان عربی که در روزهای آزادسازی خرمشهر و حضور نیروهای ایرانی، با دیوارنیشته‌هایی به زبان فارسی همسایه شدند؛ «این دیوار در اصل در سالن اشغال خرمشهر قرار دارد که ما آن را به همان شکل حفظ کردیم؛ یعنی هم خطوط فارسی هست هم عربی، هم از رزمنده‌های ایرانی هم از عراقی‌ها! آثار به‌جا مانده از زمان اشغال هم همین جا دیده می‌شود.»



## و این نخل‌های سربریده

حکایت خرمشهر و نخلستان هایش در روزهای پیش از آغاز جنگ حکایت سرسبزی بود و آبادی، حکایتی که وقتی به اشغال این شهر رسید، رنگ عوض کرد و راوی موزه درباره اش می‌گوید: «حدود ۹۰ درصد نخل‌های خرمشهر در زمان اشغال و در روزهای جنگ از بین رفت، این نخلستان‌ها تبدیل شدند به زمین‌هایی خشک با درخت‌هایی که هیچ نشانی از سرسبزی نداشتند، به خاطر همین ما آمدیم در موزه فضایی را ایجاد کردیم که نشان دهنده همان نخل‌ها باشد.» نخل‌های سربریده خرمشهر، نخل‌هایی بودند که با گلوله خورده بودند یا ترکش، حتی بعضی‌هایشان عمداً سربریده شده بودند تا باز تبدیل شوند به یکی از موانع عراقی‌ها برای مقابله با نیروهای ایرانی؛ «نیروهای عراق عمداً نخل‌های زیادی را سربریده و برهنه می‌کردند تا شبیه تیراهن‌هایی فرو رفته در دل زمین بشوند و برای فرود چترپازها خطرناک باشند.»



## خودروهای کاشته در دل خاک



خودروهای عمودی! خودروهایی کاشته شده در دل خاک!... بخواهید یا نخواهید در موزه جنگ خرمشهر، این خودروها که به ردیف پشت هم ایستاده‌اند قبل از خیلی چیزهای دیگر رد نگاه بازدید کننده‌ها را می‌زدند؛ خودروهایی که یادگار همان روزهای اشغال هستند و حری درباره اش می‌گوید: «عراقی‌ها وقتی خرمشهر را اشغال کرده بودند برای اینکه شهر را از دست ندهند موانع زیادی در شهر ایجاد کردند، از میدان مین گرفته تا حفر خندق و کانال و ساخت سنگر. همه اینها به خاطر این بود که به هرنحوی شده خرمشهر را نگه دارند. یکی از این موانعی که در شهر ایجاد کرده بودند همین ماشین‌ها بودند. آنها ماشین‌های سوخته‌ای را که از مردم شهر جا مانده بود یا ماشین‌های سوخته گمرک خرمشهر را به عنوان مانع به صورت عمودی در قسمت‌های مختلف شهر در زمین کاشته بودند تا هیچ فضای بازی در شهر برای فرود چترپاز یا هلیکوپتر وجود نداشته باشد. لایه لای این ماشین‌ها تیر آهن گذاشته بودند و دورشان هم میدان مین بود! یعنی یک کمربندی درست کرده بودند برای جلوگیری از ورود نیروهای ایرانی.»

## همراه با فرماندهان شهید

جنگ است و قصه رشادت رزمنده‌ها و فرماندهانی که برای کلمه ایثار هزار معنی جدید می‌سازند. در خرمشهر هم هنوز خیلی‌ها وقتی یاد جنگ و فرمانده‌هایش می‌افتند، ذهنشان پر می‌کشد سمت محمد جهان آرا؛ همان «ممد نبود ی بینی شهر آزاد گشته.»

پس عجیب نیست که در موزه جنگ خرمشهر هم ویترونی باشد برای نمایش یادگارهای به جا مانده از این فرمانده جوان و فرماندهان شهید دیگر: «ما اینجا یک سری لباس، فانوسقه و وسایل انفرادی فرماندهانی مثل شهید سپهبد صیاد شیرازی را داریم و همین‌طور لباسی که از طرف هم‌رزمان شهید جهان آرا به موزه اهدا شده و منسوب به ایشان است.»



## ساختمانی به‌جا مانده از نفت

موزه جنگ خرمشهر یادگاری از هشت سال جنگ در خرمشهر مخصوصاً دوران اشغال این شهر توسط نیروهای بعثی عراقی است. ساختمان موزه که با نام مرکز فرهنگی دفاع مقدس هم شناخته می‌شود سال ۱۳۰۹ تکمیل شده و راوی این موزه درباره اش می‌گوید: «ساختمان این موزه دفتر کمپانی جنرال آفیس بود، یعنی دفتر مرکزی نفت انگلیس که سال ۱۲۹۴ کار ساختش شروع و در سال ۱۳۰۹ تمام شده بود. از همین تاریخ هم تا اسفند ۱۳۲۹ به عنوان دفتر کمپانی شرکت نفت جنرال آفیس کاربری داشت تا زمانی که نفت ملی شد و بعد از رفتن انگلیسی‌ها، تبدیل شد به اولین دفتر مرکزی شرکت ملی نفت ایران.»



بعد از اشغال خرمشهر اما سرنوشته دیگری در انتظار این ساختمان بود و خیلی زود تبدیل شد به یکی از مقرهای اصلی حملات تک‌تیراندازهای عراقی در ساحل کارون به سمت رزمندگان ایرانی؛ «در تمام روزهای اشغال خرمشهر اینجا مقرر عراقی‌ها بود چون این ساختمان مستحکم بود و دید خوبی هم به منطقه داشت، مخصوصاً به کارون و مردمی که طرف کارون هنوز مقاومت می‌کردند؛ انگار که ساختمان موزه سنگر عراقی‌ها باشد.»

اما بعد از آزادسازی خرمشهر در عملیات بیت المقدس و سوم خرداد ۱۳۶۱، این ساختمان هم آزاد شد و روزهای بعداش با خاطره حضور نیروهای خودی گذشت؛ «بعد از این که خرمشهر آزاد شد، اینجا تا آخر جنگ یکی از مقرها و عقبه‌های رزمندگان اسلام بود.» حکایت روزهای بعد از جنگ برای این ساختمان پر خاطره، تبدیل شدن آن به موزه‌ای بود که یادمان‌های جنگ را در دل خودش جای بدهد؛ موزه‌ای که به‌طور رسمی از سال ۱۳۷۵ با چهار سالن آزادسازی، بازسازی، اشغال و مقاومت کارش را شروع کرد.

## نمایی از خرمشهر اشغالی



حدود ۱۹ ماه حضور نیروهای عراقی در خرمشهر، چهره شهر را تغییر داد؛ عراقی‌ها بیش از ۷۰ درصد مناطق مسکونی و زیربنای خرمشهر را کاملاً ویران کرده بودند و خرمشهر بعد از آزادی تلی از خاک بیش نبود! این وسط اما در همان روزهای اشغال شهید بهروز مرادی که مسؤول تبلیغات سپاه خرمشهر بود به همراه یکی از بچه‌های عکاس، از بالای یک ساختمان چهار طبقه در روزهای اشغال تصویری را ثبت کردند که حالا به نمایی کامل از خرمشهر اشغالی تبدیل شده است. تصویری که الان خیلی از بازدیدکننده‌ها مقابلش می‌ایستند و با آن سلفی می‌گیرند تا یادشان باشد خرمشهر، چطور خونین شهر شده بود.

از خرمشهر در روزهای تخریبش یک ماکت بزرگ هم در قسمتی دیگر از موزه به چشم می‌خورد؛ ماکتی که در نزدیکی ماکت عملیات بیت المقدس یا الی بیت المقدس قرار گرفته تا راوی دیگر رشادتی جانانه باشد برای پس گرفتن تکیه آن روزهای شهرهای ایران از دست نیروهای بعث عراق.